

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)

سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، پیاپی ۲۶

نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی

محمد جانیپور^۱

سید مهدی لطفی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۹/۱۸

تاریخ تصویب: ۹۲/۰۴/۲۵

چکیده

بسیاری از آیات قرآن کریم مشتمل بر مضامینی اخلاقی بوده که اگرچه بر اساس مصالح و مفاسد نفس الامری وضع شده، ولیکن از آنجا که گزاره‌ها و مفاهیمی متعدد و متنوع را در خصوص رفتار انسانی و علائق و خواسته‌های او بیان می‌کند، لذا باعث شده برخی در کتب و تفاسیر اخلاقی خود، برداشت‌های مختلفی از یک آیه ارائه کرده و این آیات را «منطقه الفراغ» دین اسلام معرفی کنند.

این نوع نگاه، پرسش‌های مهمی را به دنبال دارد که؛ علت بیان پراکنده این گزاره‌های اخلاقی چیست؟، چه نظامی بر این آیات حاکم است؟ و جایگاه این نظام در مجموعه نظام معارف اسلامی چیست؟

در این مقاله تلاش شده تا اولاً؛ رابطه میان آیات اخلاقی قرآن و نظام معارف اسلامی تبیین شده، و ثانیاً؛ نظام حاکم بر این آیات و جایگاه آن در تحول و تکامل دین اسلام، ترسیم گردد. بدین منظور، از روش «تحلیل محتوا» برای استخراج، طبقه بندی و مقوله بندی گزاره‌های اخلاقی استفاده شده تا در مرحله اول؛ اصول و مبانی حاکم بر ساختار این نظام اخلاقی استخراج، و در مرحله دوم؛ مؤلفه‌های آن بر مبنای منابع اصیل و ثقه اسلامی، مورد سنجش قرار گیرند. رهاورد استفاده از این روش، ارائه مدل جامع جهت اثبات وجود نظامی جامع بر معارف اخلاقی قرآن و کارآمدی این نظام در رشد و هدایت افراد و جوامع بشری است. این مقاله مستخرج از پژوهشی گسترده جهت بررسی آیات اخلاقی قرآن کریم است که تلاش دارد جامعیت و کارآمدی دین اسلام را در هدایت و اداره افراد و جوامع بشری اثبات نماید.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، دین، فرد، اجتماع، نظام اخلاقی، تحلیل محتوا.

۱. مقدمه

مفاهیم اخلاقی به عنوان مجموعه‌ای مشتمل بر ارزش‌ها و دربر دارنده دستورهایی برای اتصاف به خوی‌های نیک و انجام دادن اعمال پسندیده و دوری گزیدن از خوی‌ها و کردارهای ناپسند، در میان بسیاری از ملل باستانی دیده می‌شود و شکل‌گیری آنها به عنوان

علم اخلاق در تمدنهای گوناگون عهد باستان، از جمله ایران و یونان، مسیری موازی را طی کرده، و آثاری اخلاقی با سبک‌هایی متفاوت پدید آورده است.

با ظهور اسلام و پای گرفتن حوزه فرهنگی گسترده آن، اخلاق نیز به عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی توجه متفکران مسلمان را به خود جلب کرد و زمینه‌ای برای پدید آمدن میراثی گرانمایه در فرهنگ اسلامی گشت. اخلاق اسلامی با مکاتب گوناگون آن، در مبانی ارزشی خود بر فرهنگ قرآنی و تعالیم نبوی(ص) اتکا داشت، اما این امر مانع از آن نبود که متفکران مسلمان در بسط و گسترش تعالیم نخستین اخلاقی، و نیز در سبک و اسلوب تدوین آثار خود از میراث پیشینیان بهره نگیرند.

از طرفی نظام‌های اخلاقی جوامع بشری را نمی‌توان به گونه‌ای بریده از دیگر نهادهای اجتماعی آن جامعه بررسی کرد، زیرا این نظام‌ها غالباً در زمینه‌های اساسی خود - به ویژه با دین - پیوستگی مستحکمی داشته‌اند. نظام‌های اخلاقی برای فراگیر شدن در سطح جامعه، در مسائلی اساسی چون ارائه تعریفی ملموس از نیک‌بختی و نیک فرجامی، و نهادن ضمانت اجرای احکام خود بر آن پایه، در طول تاریخ بیشتر بر دین تکیه داشته‌اند.

در نظام اخلاقی جوامع اسلامی این پیوستگی به گونه‌ای است که به دشواری می‌توان از اخلاق، به صورتی مجرد از دین، تصویری به دست داد؛ اما هنگامی که سخن از آغاز شکل‌گیری این نظام در میان است، باید توجه داشت که نقش دین در پی‌ریزی این نظام اخلاقی، نقشی اصلاح‌گرایانه نسبت به ساختار نظام پیشین، و نه ویران‌کننده و از نوسازنده بوده است.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، تبیین جایگاه و نقش قرآن کریم، بویژه آیات اخلاقی آن در تدوین و ترسیم نظامی جامع برای ترسیم مفاهیم اخلاقی در جامعه بشری است. به عبارت دیگر این تحقیق به دنبال آن است تا با استخراج گزاره‌های اخلاقی مطرح شده در آیات قرآن کریم و بررسی و طبقه‌بندی آنها به این سوالات اصلی پاسخ دهد که:

(الف) آیا گزاره‌های اخلاقی متعدد و متنوع مطرح شده در قرآن کریم قابلیت ساخت

یک نظام اخلاقی جامع جهت تعالی و رشد افراد و جوامع بشری را دارند؟

ب) چگونه می‌توان از مجموع گزاره‌های اخلاقی قرآن، به نظام‌های مستقلی برای هدایت افراد و جوامع بشری دست یافت؟

به منظور پاسخگویی به سوالات فوق، ابتدا به تبیین مفهوم اخلاق و جایگاه آن در قرآن کریم پرداخته و سپس با معرفی روش «تحلیل محتوا» به عنوان روشی مناسب جهت استخراج گزاره‌های اخلاقی و ترسیم آنها در قالب نمودارهایی نظام مند، گزاره‌های اخلاقی مطرح شده در قرآن کریم استخراج و در قالب جدول و نمودارهایی جامع در دو حوزه فردی و اجتماعی ترسیم شده تا پاسخ سوال دوم نیز به خوبی تبیین شود.

۲. تبیین مفهوم اخلاق و جایگاه آن در قرآن کریم

به صورت فطری برای همه افراد جامعه بشری اصل این مطلب که پاره‌ای از رفتارها خوب و حسن هستند و پاره‌ای بد و قبیح، قابل درک و فهم است، اگرچه در مصادیق آن اختلاف نظر باشد، به گونه‌ای که حتی در فرهنگ‌های مختلف، رفتارهای خوب و بد جای خود را به یکدیگر می‌دهند، اما همچنان اصل وجود رفتارهای خوب و بد در همه فرهنگ‌ها وجود دارد. در واقع خوب و بد در میان مردم جامعه بشری به معانی متفاوتی به کار می‌رود که یکی از آن‌ها خوب و بد «اخلاقی» است (هولمز، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

در تعریف لغوی اخلاق باید گفت که این کلمه از ریشه «خُلِقَ» به معنای نصیب و بهره مشخص می‌باشد، اگرچه برای دو لفظ «خُلِقَ» و «خَلَقَ» نیز معنی تقدیر و شکل و اندازه چیزی به کار رفته است. در نتیجه شخص با اخلاق کسی است که بهره فراوانی از فضائل و رذائل اخلاقی را داراست، زیرا فضائل یا رذائل اخلاقی هستند که حالت صفت و ملکه‌ای نفسانی را در انسان ایجاد می‌کنند (فتحعلی خانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۳).

«علم اخلاق» نیز از جمله دیرینه‌ترین دانش‌های بشری است چرا که از دیرباز دغدغه بشر بوده و در کهن‌ترین متونی که از فرهنگ‌های مختلف بر جای مانده نیز با آموزه‌های اخلاقی مواجه می‌شویم. به گفته جی.جی. وارنوک «وقتی فلاسفه اخلاق از اصول اخلاقی، حکم اخلاقی و به طور کلی گفتار اخلاقی صحبت به میان می‌آورند، درباره چه بحث می‌کنند؟ مراد از اخلاقی چیست؟ تا به این مسائل پاسخ داده نشود، فلاسفه اخلاق

نمی‌توانند بدانند که درباره چه چیزی بحث می‌کنند یا لااقل نمی‌توانند مطمئن باشند که همه صحبت از یک مطلب دارند» (وارنوک، ۱۳۶۸، ص ۶۸).

قرآن کریم نیز به عنوان منبع اصلی تبیین علم اخلاق برای دستیابی به اهداف خود مانند استواری نظم، عدالت و تأمین سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت، انجام و ترک پاره‌ای از امور را به گونه بایدها و نبایدها بر مکلفان اجبار و الزام نموده است و تمام کسانی که بالغ و عاقل هستند، موظف هستند این اوامر و نواهی را رعایت کنند. این الزام در باطن خود با بسیاری از تکالیف و رفتار آدمی مانند مسئولیت، پاداش، عقاب و ... رابطه دارد.

به طور کلی هر مذهب اخلاقی که شایستگی بهره‌مندی از نام اخلاق را داشته باشد، بر عنصر الزام بنیان نهاده شده است. از این روی الزام، قاعده‌ای اساسی و عنصری مرکزی است که نظام اخلاقی با عناصر ساخت واره ای آن، بر گِرد آن چرخیده و نبود و ناپیدای آن به منزله اضمحلال جوهر حکمت عملی است (دراز، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱).

آیات قرآن کریم بیانگر آن است که منشأ الزامات اخلاقی، وحی و اراده تشریحی خداوند است زیرا خداوند متعال نه تنها خالق جهان هستی است، بلکه به تنهایی و بی هیچ شریکی، جهان را تدبیر می‌کند و اوست که قوانین حاکم بر افراد و جوامع انسانی را نیز جعل و اعتبار می‌نماید. این جعل و اعتبار نیز هرگز گزاف و بیهوده نبوده، بلکه بر اساس واقعیات جهان هستی و نیز با رعایت مصالح و مفاسد نفس الامری وضع شده‌اند.

شیخ ندیم الجسر، اندیشمند مصری در کتاب خود می‌نویسد: «از بدیهیات است که الزام به کمک عقل در محیط اخلاق وارد می‌شود. عقل استوانه الزام و نخستین راه آن است. خداوند در قرآن به روشنی بیان کرده که انسان را آفریده است تا او را عبادت کند و مورد آزمون قرار دهد. اجباری در دین نیست و اوامر و نواهی را در جهت راهنمایی انسان بیان کرده است از این رو، اکتفای عقل به درستی قضایای عقلی و مبادی و احکام، نخستین نوع از انواع الزام است» (ندیم الجسر، ۲۰۰۴م، ص ۱۰۲)

به نظر می‌رسد نمی‌توان وجدان را به صورت منبع و سرچشمه‌ای مستقل در نظر گرفت مگر آنکه تنها قلمرو آن را محدود به خلیقات طبیعی و ذاتی دانست چرا که امام صادق(ع) در تقسیم بندی اخلاق به دو دسته طبیعی و اکتسابی می‌فرماید: «الْخُلُقُ مِنْحَةٌ

يَمْنَحُهَا اللَّهُ مَنْ شَاءَ مِنْ خَلْقِهِ فَمِنْهُ سَجِيَّةٌ وَمِنْهُ بَيِّنَةٌ فَقُلْتُ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ صَاحِبُ النَّيِّهِ أَفْضَلُ فَإِنَّ صَاحِبَ السَّجِيَّةِ هُوَ الْمَجْبُورُ عَلَى الْأَمْرِ الَّذِي لَا يَسْتَطِيعُ غَيْرَهُ وَصَاحِبُ النَّيِّهِ هُوَ الَّذِي يَتَصَبَّرُ عَلَى الطَّاعَةِ فَيَصْبِرُ فَهَذَا أَفْضَلُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۱).

۳. معرفی روش تحقیق «تحلیل محتوا»

مطالعه علم اخلاق بر مبنای شیوه‌های معمول دچار نوعی از رکود معنایی یا ایستائی تأثیرگذاری و اثربخشی شده است و این رکود بیشتر از آنکه متأثر از بودن یا نبودن منابع و متون اخلاقی باشد، ناشی از شیوه‌هایی است که به پارادایم غالب در مطالعه منابع و متون اخلاقی تبدیل شده‌اند. این معضل، متون قرآنی که منبع اصلی علم اخلاق اسلامی می‌باشند را وارد حوزه‌هایی از مطالعات موضوعی کرده که اگرچه مفید و قابل توجه می‌باشند، اما پرسش‌های اساسی درباره نقش و کارکرد هدایتگر مفاهیم اخلاقی آیات قرآن را بدون پاسخ گذاشته است.

به همین منظور شایسته است در مواجهه‌ای جدید با قرآن کریم، از روش‌های نوین و بین‌رشته‌ای استفاده شده و نتایج مطالعات صورت گرفته در قالب‌هایی نظام مند به مخاطبان عرضه شود. در این میان، انتخاب روش «تحلیل محتوا»^۱ و کاربست آن در مطالعات دینی، گامی نوین محسوب می‌شود.

با رشد جوامع انسانی و توسعه علوم و تکنولوژی، انسان به محدودیت روش‌های تحقیق اولیه در علوم اجتماعی و علوم انسانی پی برده و با تأمل بسیار روش‌های نوینی را ابداع کرد تا بتواند در عرصه پژوهش‌های شناخت روابط انسانی و فرهنگی از پایایی و روایی بیشتری برخوردار باشد. یکی از مهمترین روش‌های شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها (اطلاعات) که با توجه به موضوع، شرایط و هدف این تحقیق کاربرد بیشتری برای محققان داشته است، روش «تحلیل محتوا» می‌باشد.

به عبارت دیگر یکی از روش‌های مناسب جهت تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها، استفاده از روش تحلیل محتوا باشد. روش تحلیل محتوا با تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های

^۱ Content Analysis

استخراج شده از متن، جهت گیری و نقش هر کدام را بیان و چارچوب حاکم بر آن‌ها را کشف می‌کند. تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و امثالهم بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹).

لورنس باردن در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵، ص ۳۴).

در حقیقت تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی‌رود. پیام‌هایی که توسط متن منتقل می‌شود می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها به صورت نظاممند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کنند لذا آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری می‌باشد.

لاسل، نیز عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سوال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تاثیری؟ می‌گوید» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲).

به منظور انجام این تحقیق، پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده است، بر اساس فن تحلیل محتوای مضمونی و بر مبنای واحد آیات و به صورت کمی و کیفی، جداول تحلیل محتوا تشکیل شده و سپس مفاهیم، جهت گیری‌ها و نقش هدایتی هر کدام از آیات استخراج شده است.

به عبارت دیگر ابتدا با نگاه تفسیری به هر آیه، گزاره‌های اخلاقی تشکیل دهنده مضامین و جهت گیری‌های هر آیه استخراج شد و سپس نقش هدایتی هر کدام درج گردیده است. لازم به ذکر است که جهت استخراج گزاره‌های اخلاقی آیات، اکثر تفاسیر موجود بررسی شده‌اند که در نمونه‌های بیان شده، منابع آن درج گردیده است.

نهایت اینکه فرایند روش انجام این تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

۱. استخراج آیات اخلاقی بر اساس مطالعه تفاسیر معاصر.
۲. استخراج مفاهیم و مضامین اخلاقی بیان شده در تفاسیر و ثبت در جدول تحلیل محتوا.
۳. کشف جهت گیری اصلی هر کدام از مفاهیم اخلاقی ثبت شده.
۴. یافتن ارتباط میان مفاهیم اخلاقی جهت یافتن نقاط تمرکز آن‌ها.
۵. کشف نقش هدایتی هر کدام از مفاهیم اخلاقی ثبت شده.
۶. مقوله بندی مضامین و موضوعات اصلی و فرعی مشترک آیات.
۷. مدل سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق.

منظور از «محتوا» در این روش علمی، متون سازمان یافته و اندوخته شده مربوط به یک موضوع واحد است که گروهی از حقایق، مفاهیم، تعمیم‌ها، اصول و نظریه‌های مشابه را شامل می‌شود. (چوبینه، ۱۳۸۰، ص ۶۷). لذا در این تحقیق، «محتوا» به معنای آیات قرآن کریم است که قطعیت آن اثبات شده و در حال حاضر محور مطالعه پژوهشگر می‌باشد.

«موضوع اصلی»؛ عنوانی کلیدی و کلی است که بیانگر مقصود اصلی هر آیه می‌باشد. این موضوع کلی بوده و چارچوب اصلی متن را تشکیل می‌دهد و با نگاهی اجمالی به فهرست آن‌ها و بررسی میزان فراوانی هر کدام می‌توان به سهولت تشخیص داد که متن مورد مطالعه در چه حوزه‌ای بوده و در رابطه با چه مواردی سخن گفته است.

«موضوع فرعی»؛ عنوانی کلی است که هر کدام از موضوعات مطروحه در متن را شامل می‌شود. به عبارت دیگر به جهت سهولت بررسی هر متن، موضوعات استخراج شده در مرحله اول، در قالب عناوینی جزئی‌تر درج می‌شوند که به آن عناوین، موضوعات

فرعی گویند. این موضوعات که توسط تحلیل گر استخراج شده‌اند، لایه‌های درونی متن را آشکار می‌سازند.

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، علت برگزیدن روش تحلیل محتوا برای کشف نظام اخلاقی است. در حقیقت یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، دارای ظاهر و باطن بودن آن است که تا چندین لایه درونی ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد یکی از روش‌های تحقیق مناسب و علمی برای کشف لایه‌های درونی ظواهر آیات قرآن، تحلیل محتوای کیفی کلام باشد. همچنین این روش قابلیت این را نیز دارد که مفاهیم به دست آمده را بسط ساختاری داده و طبقه بندی نموده و در قالب جدول، نمودار و مدل ارائه دهد. این مطلب در فضای رشته‌های حوزه علوم انسانی و به ویژه رشته الهیات که با بسط تفصیلی دانش مواجه هستند، بسیار اثرگذار است.

۴. تحلیل محتوای کمی و کیفی آیات اخلاقی قرآن کریم

منظور از تحلیل های کمی، بررسی فراوانی مضامین و موضوعات اصلی و فرعی مطرح شده در متن می‌باشد که محقق را با ساختار عناصر و مؤلفه‌های به کار رفته در آن بیشتر آشنا می‌سازد. تحلیل های کمی راه ورود برای تحلیل های کیفی را هموار می‌کنند و در اصل نشان می‌دهند که محقق بر اساس چه مبنایی به تحلیل های کیفی پرداخته است (کرپندورف، ۱۳۷۸، ص ۲۶).

تحلیل محتوای کیفی، نیز تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن از طریق کدگذاری های طبقه بندی شده به صورت سیستماتیک می‌باشد که به دنبال مشخص ساختن الگوهایی است که در نهایت از مفاهیم ساخته می‌شوند. به عبارت دیگر تحلیل های کیفی، به مثابه تکنیکی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده اتخاذ می‌شوند که در نهایت منجر به نظریه پردازی می‌گردند (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۱۴).

پیش از ذکر نتایج حاصل از تحلیل محتوای آیات اخلاقی قرآن کریم، لازم به ذکر است که در این مقاله به جهت رعایت اختصار و محدودیت کلام، تنها به ذکر دو نمونه از آیات اخلاقی به منظور آشنایی با چگونگی استخراج گزاره‌ها و جهت گیری های اخلاقی درج شده، اکتفا شده است.

۴-۱. بررسی آیه اول

| کد | نقش هدایتی | نقطه تمرکز | جهت گیری | گزاره اخلاقی | آیه | سوره |
|--------|---------------|---------------|-------------|-------------------------------------|--|------|
| S-11-1 | موانع | رذیلت | فردی | عجله و شتابزدگی | وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا | ۱ |
| S-11-2 | اصول | فضیلت | فردی | تأکید بر خیرگرایی | | ۲ |
| S-11-3 | موانع | رذیلت | فردی | عجله مانع تأثیر هدایتگری قرآن | | ۳ |
| S-11-4 | مقدمات | فضیلت | فردی | نقش علم و آگاهی در ایجاد طمأنینه | | ۴ |
| S-11-5 | مقدمات | فضیلت | فردی | نقش ایمان در ایجاد طمأنینه | | ۵ |
| S-11-6 | مقدمات | فرهنگی | جمعی | نقش امید و رجاء در ایجاد طمأنینه | | ۶ |

خداوند متعال در آیه یازدهم سوره اسراء می فرماید: «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»؛ انسان بر اثر (شتابزدگی) بدیها را طلب می کند آن گونه که نیکی ها را می طلبد و انسان همیشه عجول بوده است. این آیه در مقام اشاره به اصل عجله و شتابزدگی در انسان و اثر آن در خیرات و شرور است که گزاره های اخلاقی متعددی می توان از آن استخراج نمود، همانند:

۴-۱-۱. نهی از عجله و شتابزدگی

عجله حالتی است در دل که به مجرد خطور امر در ذهن، انسان بی درنگ و بدون تأمل پیرامون آن اقدام کند که این حالت از لوازم ضعف نفس و از دام‌های بزرگ شیطان است (نراقی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۲۲). عجله صفتی است که در آن رابطه فرد با خودش مطرح است لذا در حوزه اخلاق فردی جای دارد.

نکته ای که در تبیین این صفت باید بدان اشاره شود، مسأله علم است. در حقیقت سرچشمه شتاب در انسان، جهل و عناد و تعصب است که این امر درست نقطه مقابل بصیرت و علم در انسان می‌باشد، لذا با عنایت به این توضیح باید گفت که عجله از آفات فکر و عمل بشر است. در کتب اخلاقی برای توصیف مفهوم اخلاقی عجله و شرّخواهی انسان، به طلب اشتباهی که او در استیلا بر دیگر موجودات دارد، مثال زده شده که نوع انسان به دلیل عجله ای که در این امر از خود نشان می‌دهد ریاست این دنیای زودگذر را به سلطنت ابدی ترجیح می‌دهد.

آری، عامل اصلی فروختن دین به دنیا، عجله و شتاب است که لذت زود گذری را به همراه دارد بخصوص در جائی که انسان باید به مبارزه با تکبر درون و یادآوری تواضع به خویش پردازد و دیگری را به جای خویشتن مقدم بدارد. این نوع اگرچه برای فطرت انسان لذت بخش نیست اما به خیر انسان است. پس معیار تشخیص خیر، لذت نیست بلکه مطابقت با فطرت و عقل است و همچنین انسان نباید در مصداق لذت و درد به بیراهه رود. اساساً تهذیب اخلاق برای این است که انسان هم در تحلیل مفاهیم عقلی به مقصد برسد و هم در تطبیق این معانی بر مصداق‌ها اشتباه نکند (فلسفی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲۳).

علامه طباطبایی در ضمن این آیه وارد مباحث اخلاقی شده و بیان می‌دارند که جنس بشر عجول است و به خاطر همین عجله‌اش میان خیر و شر فرق نمی‌گذارد لذا سزاوار نیست که انسان دستخوش عجله گشته و هرچه را که دلش خواست و اشتهايش طلب کرد، دنبال کند و هر عملی که ارتکابش برایش ممکن بود، مرتکب شود (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۳، ص ۶۷).

۴-۱-۲. تأکید بر خیرگرایی فطری انسان

نکته دیگر در تبیین آیه این است که تشبیه شرّ خواهی انسان به خیر خواهی او، نشانه آن است که انسان در اصل و فطرتاً خیرگرا می‌باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ص ۲۶). در سوره انبیاء نیز خداوند می‌فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» (الانبیاء: ۷۳)؛ و انجام کارهای نیک را به آنها وحی کردیم. در روان انسان نیرویی به نام نیروی جلب نفع و دفع ضرر نهاده شده و از آن جایی که انسان در بکار بردن این دو نیرو افراط می‌نماید و بجای اینکه از رذائل خلقی خودداری کند از کسب فضیلت امتناع می‌ورزد.

مؤلف تفسیر «أحسن الحديث» مفهوم استنتاجی از آیه فوق را اخلاقی دانسته و قالب آن را توییحی می‌داند و بیان می‌کند که این آیه انسان را به خاطر داشتن چنین صفتی توییح می‌کند که چرا انسان باید چنین باشد و جمله «وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» در عین استدلال به صدر آیه، حاکی از یک خصیصه ذاتی انسان است و آن اینکه انسان ذاتاً خیرگرا است - هرچند در مواردی اشتباه می‌کند - ولیکن در راه وصول این به خیر بسیار عجول و شتابزده است و گاه این امر باعث اشتباه او می‌شود (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۴۳).

این مطلب در آیه ای دیگر نیز به قدری حادّ عنوان شده که گویی انسان از عجله آفریده شده است: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ» (الانبیاء: ۳۴)؛ انسان از عجله آفریده شده ولی عجله نکنید بزودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد.

۴-۱-۳. عجله مانع تأثیر هدایت‌گری قرآن

همچنین ارتباط ظریفی بین هدایت‌گری قرآن و صفت عجله در انسان می‌باشد. خداوند پیش از این آیه، از هدایت‌گری قرآن برای کسانی که آراسته به علم و حکمت و عمل صالح اند، سخن گفته و بلافاصله از عجله که هم از آفات فکر است و هم عمل سخن رانده است. این آیه رهنمون به این مساله است که آنان که به هدایت استوار قرآن راه نیابند، شتابزده سراغ شرّ خواهند رفت.

اگرچه اعمال خیر و شر همه به اذن خدا در عالم وجود تحقق می‌یابند و همه آنها با قدرتی که خداوند در اختیار انسان قرار داده برای آدمی مقدور است، ولیکن این معنی

باعث نمی‌شود که اعمال خیر و شر، هر دو برای آدمی جایز شوند و انسان هر چه را که هوس کرد با عجله و سراسیمه دنبال نماید.

علامه طباطبایی در این میان معتقد است علت اینکه خداوند از عجز بودن انسان در این آیه سخن گفته این است که می‌خواهد بگوید انسان به خاطر آن قریحه استعجالی که دارد، آن طور که باید قدر نعمت هدایت الهی را نمی‌داند و قرآن کریم که کتاب هدایت اقوام است با کتب دیگر در نزدش یکسان می‌باشد لذا بین خیر و شر تفکیک قائل نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۳، ص ۶۹).

مؤلف تفسیر نمونه نیز بیان می‌کند که عجز بودن انسان برای کسب منافع بیشتر و شتابزدگی او در تحصیل خیر و منفعت، سبب می‌شود که تمام جوانب مسائل را مورد بررسی قرار ندهد و نتواند خیر واقعی خود را تشخیص دهد، بلکه هوی و هوسهای سرکش چهره حقیقت را در نظرش دگرگون سازند و به دنبال شرّ برود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۰). به همین دلیل عجله به عنوان یک بلای بزرگ و مانع برای نوع انسانها در طریق سعادت و هدایت معرفی شده است.

۴-۱-۴. نقش علم و آگاهی در ایجاد طمأنینه

در باب علم و تأثیر آن در جلوگیری از پدیدار شدن صفت عجله در انسان باید عمل توأم با علم و آگاهی و بصیرت و بینایی و تفکر باشد تا سبب خسران و وزر و وبال نگردد که مکرر آیاتش در سوره اسراء آمده است و بیان می‌کند که اثر و نتیجه عمل آدمی به خود او بازگشت دارد و از مصادیق آن آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (الاسراء: ۷) است.

انسان اگر ارتباط عجله را با میل و قدرت به فعل در آوردن آن در سیاق آیات سوره اسراء ملاحظه کند، متوجه این مهم می‌شود که انسان به مجرد اینکه عملی را مورد علاقه و مطابق میلش یافت و قدرتش را بر انجام آن نیز مناسب دید، باید بداند این عمل صرفاً اخلاقی نیست و انسان مجاز به انجامش نمی‌باشد و ممکن است چنین استدلال کند که خداوند این اراده و قدرت را به او داده پس چرا بر انجام افعال کندی نماید.

به عنوان مثال طبق آیه ۱۸ سوره اسراء، خواست انسان بی حد و حسر است و باید در چارچوب اراده الهی محدود شود. گرچه انسان با اراده خلق شده و در انتخاب راه آزاد است ولی اگر با علم به اینکه اراده الهی اصل است پیش برود، بینشش عوض خواهد شد. خداوند به صراحت در مقابل عجله انسان، دنیا و هر چه در آن است را که تعلق انسان در اوست، معجلاً و عده داده اما به شرط قَدَر و تحت اختیار خودش و این است معنای عجله در آیه شریفه: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلاها مَذْمُوماً مَذْحُوراً» (الاسراء: ۱۸).

فرو رفتن در نعمت‌ها و به اصطلاح رفاه زدگی، سرچشمه فساد و سبب ایستادگی در مقابل حق است و به سقوط اخلاقی و اجتماعی جامعه می‌انجامد. لازم به ذکر است که این خصلت دنیاگرایی است که مذموم است نه اصل دنیا و انسان با مطالعه در تاریخ و عبرت از احوال گذشتگان باید متذکر این مهم باشد که در برابر سنت‌های همیشه پایدار و ثابت خداوند، چگونه صفاتی باید از خود بروز دهد و شرط اصلی در نتیجه‌گیری از تلاش‌های دنیوی و سعادت اخروی که همان ایمان داشتن است، را مدنظر داشته باشد.

۴-۱-۵. نقش ایمان در ایجاد طمأنینه

صفت مقابل عجله، اطمینان نفس و تأمل در گفتار و کردار است که قبل از اقدام به امری آن را توقف و تأمل و بعد از آن را تأنی و انائت نامند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «الْأَنَاءُ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ» (حرّ عاملی، ۱۳۸۷، ج ۲۷، ص ۱۶۹)؛ همانا درنگ از سوی خدا و عجله از شیطان است.

سیکنه نفس که ملکه ای است ستودنی و از اخلاق حسنه و صفات انبیاء می‌باشد، حاصل ایمان و یقین است و وجود اختیار در انسان با شرط بکارگیری ایمان باعث سعادت دنیا و آخرت می‌گردد. قابل ذکر است که ضعف نفس از نتایج صفت «جُبْن» به معنی ترس است و از صفات خبیثه به شمار می‌رود. طبق آیه مورد بحث، صاحب این صفت با ذُکُت خواری و کناره جستن از کارهای بزرگ و مسامحه در امر به معروف و نهی از منکر ملازم است (نراقی، ۱۳۶۶، صص ۳۲۱-۳۱۹).

لذا چنین انسانی باید بداند ثبات و پایداری اخص از بزرگی نفس است که باید بدان اهتمام ورزید. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» (ابراهیم: ۲۷)؛ خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می‌دارد هم در این جهان، و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می‌سازد، (و لطف خود را از آنها برمی‌گیرد) خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد.

۴-۱-۶. نقش امید و رجاء در ایجاد طمأنینه

پیام اخلاقی مهم دیگر در آیه، امیدواری به رحمت خداوند است که در اصطلاحات اخلاقی به آن «رجاء» گفته می‌شود و نقطه مقابل «یأس» است که زمینه کفر می‌باشد. لزوم اهمیت صفت رجاء تا جایی است که انسان با عبور از مرحله رجاء، به مرحله طمأنینه می‌رسد که در همین آیه به آن پرداخته شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۲).

نکته مهم اینکه انسانی می‌تواند رجاء و امیدواری به رحمت خداوند داشته باشد که پیشتر مقدمات آن را فراهم کرده باشد. مقدماتی که یکی از آنها برطرف نمودن رذیله اخلاقی عجله و شرخواهی در انسان است که برخلاف قانون و سنت الهی و بر مدار لطف و رحمت می‌باشد. گونه بیانی دعوت به رحمت خدا گرچه «جمله خبریه» و معنای وصفی را به همراه دارد ولی ضمناً دستور است، یعنی انسان باید بر اساس فطرت خویش از عجله پرهیز کند و امیدوار به خیر و رحمت الهی باشد و اساساً اصل طلب خیر و خیرگرا بودن از اصول لازمه اخلاقی است که تبیین آن لازم می‌باشد.

نکته مهم در مورد خیرگرا بودن انسان در این است که این طلب نباید بر اساس لذت حسی و سودهای دنیایی باشد بلکه باید عقلانی باشد، یعنی عقل، خیر بودن آن را تشخیص دهد. عقل نیز این کار را توسط وحی باید انجام دهد.

نکته دیگر اینکه چیزی که می‌خواهد خیر باشد، برای فطرت و جان انسان می‌بایست خیر باشد. در قرآن کریم آمده است که معیار کارها می‌بایست خیر باشد: «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (البقره:

(۲۱۶). از این آیه کریمه معلوم می‌شود حقیقت انسان را همان جان و فطرت تأمین می‌کند و بدن و منافع بدنی، ابزاری بیش نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۵).

علامه طباطبایی معتقد است مراد از دعا بطوری که از سیاق آیه استفاده می‌شود، مطلق طلب است، چه به لفظ دعا باشد و چه بدون لفظ و به صورت سعی و عمل فرد بوده باشد. این دعا و درخواست نیز مطلق است بدین معنی که چه از خدا بخواهد و چه از غیر خدا و چه خیر طلب کند و چه شرّ (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۳، ص ۶۷).

۴-۲. بررسی آیه دوم

| کد | نقش هدایتی | نقطه تمرکز | جهت گیری | گزاره اخلاقی | آیه | تفسیر |
|--------|------------|------------|----------|---|--|-------|
| S-28-1 | الزامات | اجتماعی | جمعی | لزوم احترام به حقوق مردم | وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ اِتِّغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ | ۱ |
| S-28-2 | مقدمات | فرهنگی | جمعی | نقش کلام نیکو در ایجاد امیدواری و وسعت روزی | | ۲ |
| S-28-3 | الزامات | فضیلت | فردی | لزوم امیدواری به رحمت خداوند | تَرْجُوها فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا | ۳ |
| S-28-4 | الزامات | فضیلت | فردی | لزوم همراهی اصل تلاش و امید | | ۴ |

به عنوان مثال دومی برای آیات اخلاقی قرآن کریم، آیه ذیل انتخاب شده است: «وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ اِتِّغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوها فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا» (الاسراء: ۲۸)؛ و هرگاه از آنان [مستمندان] روی برمی تابی و انتظار رحمت پروردگارت را داری (تا

کشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو. در این آیه شریفه که در حقیقت تکمیل آیه سابق آن «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» است، به دنبال این است که یکی از موارد برخورد مناسب با افراد و آداب اسلامی را بیان نموده که زیر مجموعه مباحث شروط انفاق و اعراض از آن، می باشد. برخی از گزاره های اخلاقی برداشت شده از آیه فوق به شرح ذیل است:

۴-۲-۱. لزوم احترام به حقوق مردم

هنگامی که وضعیت انسان به گونه ای نیست که بتواند انفاقی داشته باشد، برخورد مناسب و اخلاقی این است که همراه با قول و کلام آسان و راحت باشد چنانکه منظور از عبارت «قَوْلًا مَّيْسُورًا» هرگونه سخن و رفتار نیک توأم با محبت را شامل می شود. آیت الله مکارم شیرازی در تبیین مفاهیم اخلاقی آیه می گویند: «اساساً تقاضای سائل حقی را بر سؤال شونده ایجاد می کند که در صورت نبودن امکانات برای پاسخ گویی و انفاق به سائل، بر اساس مضمون آیه باید با سخن نرم و سنجیده و ملایم اعراض نماید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۸۹).

به عبارت دیگر یکی دیگر از شروط انفاق این است اصل رعایت احترام به شخصیت افراد چه در هنگام انفاق کردن و چه در هنگام اعراض کردن می بایست رعایت شود تا صدمه ای به شخصیت دیگران وارد نسازد. این فرمان خداوند، نشان می دهد که اخلاق اسلامی حتی در رابطه با سخن گفتن نیز دستوراتی را در نظر گرفته است تا از این طریق انسان بتواند برنامه سعادت و کمال را به سهولت اجرا کند.

نکته مهم در تلازم بحث انفاق با رحمت خداوند این است که انسان باید امکانات مادی و برخوردار و توانگری خود را از نشانه های رحمت خداوند بداند که در جهت تربیت و تکامل انسانها به او اعطا شده است. لذا اگر دید انسان این گونه شد، به راحتی از اموالی که باید در مسیر انفاق خرج شود می گذرد تا رحمت خداوند را در مسیر کمال به خود جلب نماید (فلسفی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۱).

۴-۲-۲. نقش کلام نیکو در ایجاد امیدواری و وسعت روزی

نعمت بیان و گفتار در دین مبین اسلام به جهت رشد و تکامل انسان آن قدر حائز اهمیت است که خداوند در قرآن کریم بلافاصله بعد از اشاره به خلق نمودن قرآن دارد، تعلیم و آموزش نعمت بیان و گفتار را مطرح کرده و آن را نعمتی از جانب خودش معرفی می‌کند:

«الرَّحْمَانُ . عَلَّمَ الْقُرْآنَ . خَلَقَ الْإِنْسَانَ . عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن: ۱-۴)

در قرآن کریم برای سخن گفتن ارزش‌های مختلفی مطرح شده است که گاهی مربوط به ماهیت سخن است و گاهی با عناوین عرضی آن ارتباط پیدا می‌کند. مانند آنچه در این آیه مطرح شده است که اشاره به آسان سخن گفتن دارد.

در این آیه خداوند بلافاصله بعد از بیان مسأله طلب رحمت از پروردگار، دستور به نیکو و آسان سخن گفتن می‌دهد که نشان می‌دهد آیه شریفه اشاره تام به این مسئله می‌کند که مقدمه و اسباب ترغیب امیدواری و وسعت عفو و رحمت پروردگار را می‌توان با کلام نرم و آسان هم فراهم نمود، لذا به همین دلیل این صفت از علامات مؤمن شمرده شده است و این همان فضل خدای تعالی در برطرف کردن موانع برای رسیدن به مقصود است. علامه طباطبایی در رابطه با این آیه معتقد است سیاق آیات نشان می‌دهد که گفتار درباره انفاق مالی بوده و به یک نکته مهم اخلاقی در رابطه با نحوه برخورد با فقرا و مساکین اشاره دارد و می‌گوید: «از آنجا که گاهی مسکینی به انسان رو می‌آورد و امکاناتی برای پاسخ‌گویی به نیاز او در اختیارش نیست، این آیه طرز برخورد صحیح با نیازمندان را در چینی شرایطی بیان کرده است» (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۳، ص ۱۱۴).

ایشان معتقد است که مراد از جمله «إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ»، اعراض از کسی است که مالی درخواست کرده تا رفع گرسنگی کرده و یا حاجتش را برآورده سازد ولیکن مقصود از این اعراض، هرگونه اعراضی نیست، بلکه تنها نوعی از اعراض منظور است که فرد دستش از مال و امکانات تهی باشد و نتواند مساعدتی به فقرا بکند اما مایوس نیست و احتمال می‌دهد که بعداً پولدار شود و بتواند به آنان کمک کند، به دلیل اینکه دنباله آیه می‌فرماید «إِنِّيغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا» (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۳، ص ۱۱۵).

۴-۲-۳. لزوم امیدواری به رحمت خداوند

نکته مهم اخلاقی دیگر در این آیه بیان موضوع رجاء و امیدواری به رحمت خداوند است. در قرآن کریم در مواردی «رجاء» به خدا نسبت داده شده و در مواردی نیز به رحمت خدا و در مواردی هم به روز قیامت، از آن جهت که قیامت عالمی است که در آن انسان مشمول رحمت الهی می‌گردد.

امیدواری و رجاء به عنوان یکی از موضوعات اخلاقی، وقتی صدق می‌کند که انسان اسباب و وسایل تحقق آن را تماماً در خود فراهم نموده باشد. این مطلب بدین معناست که انسان باید رحمت و غفران پروردگار را با عمل خاصی که زمینه و وسیله آن را فراهم می‌کند و ترک گناهانی که آن زمینه و وسیله را از میان برمی‌دارد، توأم سازد (غروی‌ان، ۱۳۷۷، ص ۲۳).

۴-۲-۴. لزوم همراهی اصل تلاش و امید

رجاء، گرچه یک حالت روحی و روانی است ولیکن یک لازمه جدائی ناپذیر رفتاری به دنبال دارد که باعث می‌شود کارهای ویژه‌ای از انسان صادر شود. در آیات متعدد قرآن یا صریحاً بر لزوم انجام عمل شایسته تأکید شده و یا به صورت کنائی بر این لازمه رفتاری تأکید شده و یا اسوه و الگویی رفتاری در این زمینه معرفی شده است تا این اصل را همچنان در انسان زنده نگه دارد.

بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که تلاش و امید در انسان باید همواره در کنار هم باشند تا منشأ اثر واقع شده و منجر به کارکردهای خاص خود شوند که نشانه بارز آن، امید به خدا و روز قیامت است که باعث انجام دادن اعمال صالح و شرک نورزیدن می‌شود. همچنین خداوند در آیه دیگری از قرآن به کسانی که بر خود ستم و اسراف نموده‌اند می‌فرماید که: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» (الزمر: ۵۳)، از رحمت خدا ناامید نشوید. و در آیه‌ای دیگر به روشنی تبیین می‌کند که: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ» (البقره: ۲۱۸)؛ تنها

کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته اند، آنها به رحمت خداوند امید دارند.

نهایت اینکه باید توجه داشت کام یابی و رستگاری انسان بدون تلاش اختیاری تحقق پذیر نیست و انسان تنها با سعی و تلاش خویش می تواند به مطلوب نهایی خود برسد و دیگران نمی توانند سرنوشت او را تغییر دهند. از نوع بیان خداوند نیز به خوبی پیداست که انسان را با بیان بازگشت هر گونه نتیجه اعمال به خودش مخیر گذاشته در احسان نمودن یا بدی کردن (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۹۶).

۵. اصول و مبانی نظام اخلاقی در قرآن کریم

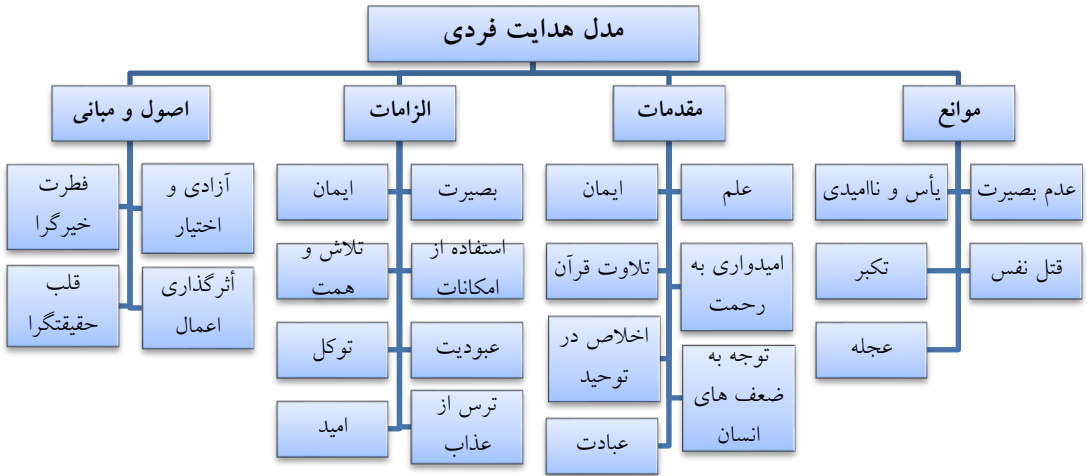
در نهایت باید گفت که از تحلیل مجموع آیات بخشی از سور قرآن کریم، اصول و گزاره های اخلاقی متعددی استخراج گردیده که پس از درج در جدول تحلیل محتوا، جهت گیری، نقطه تمرکز و نقش هدایتی آنها نیز استخراج شد. سنجش فراوانی جهت گیری های آنها نشان می دهد که گزاره های استخراج شده به هر دو بُعد اخلاق فردی و جمعی نظر داشته و به طور همسانی آمارگیری شده اند.

همچنین گزاره های اخلاقی استخراج شده، هر کدام نقشی را در تبیین نظام اخلاق اسلامی بر عهده دارند که می توان آنها را بر مبنای طبقه بندی جدول تحلیل محتوا، به ابعاد چهارگانه: اصول و مبانی، الزامات، مقدمات و موانع تقسیم نمود. این مطلب نیز نشان می دهد که مجموع این گزاره های اخلاقی در صدد هستند تا با کمک همدیگر، یک نظام اخلاقی را تبیین و نهادینه کرده و آن را در فرهنگ و مکتب جامعه بشری تسری دهند.

این گزاره های اخلاقی به خوبی هر چهار مؤلفه فوق را در دو حوزه هدایت فردی و اجتماعی تحت پوشش قرار داده و به خوبی کارکرد خود در ساخت الگو و مدل کلی هدایت را تبیین می کنند. در ذیل این مدل هدایتی به تفکیک و در دسته بندی چهارگانه (اصول و مبانی، الزامات، مقدمات و موانع) مورد بررسی قرار می گیرد.

نمودار ذیل بیانگر آن است که چگونه گزاره های اخلاقی استخراج شده در هدایت فردی تک تک انسان ها نقش داشته و هر کدام چه جایگاهی را بر عهده دارند.

نمودار ۱: نظام هدایت فردی در قرآن کریم



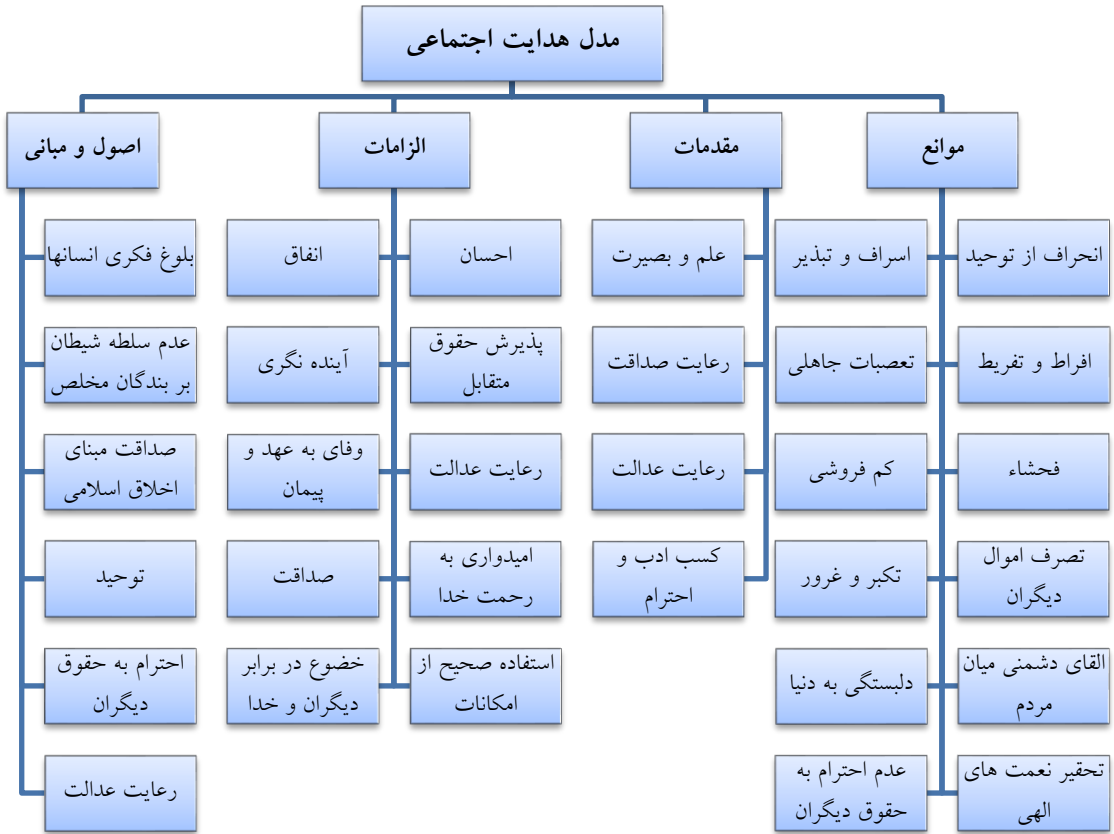
در نمودار فوق مشاهده می‌شود که مواردی مانند؛ ایمان، امیدوار بودن به رحمت خدا و عبادت هم در مقوله الزامات و هم در مقوله مقدمات تکرار شده است. این تکرار نه به معنای آن است که یک مضمون اخلاقی در دو حوزه متفاوت جای داده شده، بلکه این مطلب تنها همسانی در الفاظ می‌باشد. به عبارت دیگر مضامین برداشت شده با یکدیگر متفاوت بوده، لکن در مرحله ترسیم نمودار و مدل از آن جهت که به دنبال استفاده از عناوینی کلی و جامع بوده‌ایم، لذا عنوانی کلی استعمال شده است.

این مطلب خود بیانگر نکته مهم دیگری نیز هست که اگرچه برای حرکت در مسیر هدایت و دستیابی به سعادت در ابتدای کار لازم است که فرد اخلاص داشته و یا به رحمت خداوند امیدوار باشد، اما باید توجه داشته باشد که در تمامی طول مسیر نیز توجه به این موارد لازم و ضروری است و یک انسان طالب حقیقت و هدایت نباید لحظه‌ای ایمان خود را از دست داده و یا از رحمت خداوند ناامید شود و ترک عبادت و اخلاص نماید.

در تمامی طول مسیر هدایت نیز دائماً باید تلاش شود که بر علم و بصیرت افراد جامعه بشری افزوده شود چرا که به هر میزان علم و بصیرت افراد افزایش یابد، میزان اعتقاد و

ایمان ایشان به خداوند و جهان هستی افزایش یافته و بر سرعت آنان در مسیر هدایت افزوده می‌شود. در ادامه می‌توان شبیه همین مدل را در بُعد هدایت اجتماعی نیز مشاهده نمود:

نمودار ۲: نظام هدایت اجتماعی در قرآن کریم



داشتن باورها و اعتقادات مشخص، اولین اصل برای فعالیت هر انسان و جامعه‌ای بوده و تعیین کننده جهت حرکت آنها می‌باشد که توجه مستمر به آن، عدم انحراف از مسیر و برنامه تعیین شده را ضمانت می‌نماید. این باورها و اعتقادات که در حقیقت همان اصول و مبانی هستند، موجب هماهنگی نیروها و انسجام تلاش‌ها و هم افزایی بین عناصر و مؤلفه‌های مختلف اجتماعی می‌گردد. اجتماعی زیستن ناگزیر وظایف و مسئولیت‌هایی را

بر انسان‌ها بار می‌کند که همه افراد باید تکالیف خویش را در برابر دیگران بشناسند و به آن‌ها عمل نمایند.

در نمودار فوق نیز مشاهده می‌شود مواردی به عنوان الزامات هدایت اجتماعی ثبت شده‌اند که در نمودار هدایت فردی نیز به عنوان الزامات معرفی شده بودند. این مطلب بیانگر دو نکته مهم است:

الف) اول اینکه؛ برخی موارد مانند امیدواری به رحمت خداوند و استفاده صحیح از امکانات و استعدادها آن قدر دارای اهمیت می‌باشند که هم تک تک افراد جامعه و هم کلیت یک جامعه انسانی می‌بایست برای دستیابی به هدایت و سعادت، این موارد را لحاظ کرده و بدان‌ها توجه کند.

ب) دوم اینکه؛ این موارد در حوزه فردی و اجتماعی دارای معانی مختلف هستند. به عنوان مثال امیدواری به رحمت خداوند در یک اجتماع انسانی بدین معناست که کلیت جامعه انسانی می‌بایست با شور و نشاط و انگیزه به کار و تلاش و کوشش پرداخته و به خاطر وجود مشکلات اقتصادی یا سیاسی و غیره روحیه خود را از دست ندهند و همواره به رحمت خداوند برای حل همه مشکلات اجتماعی امید داشته باشند. چنین امیدی است که می‌تواند موجبات رشد و ترقی و تکامل جامعه و در نهایت هدایت آنان را فراهم کند، البته به شرط آنکه دیگر موارد الزامات مانند توجه به حقوق دیگران، صداقت، عدالت، احسان، انفاق و غیره نیز رعایت شود.

به عبارت دیگر باید گفت که تمامی آنچه در نمودار فوق درج شده است، ابعادی اجتماعی دارند بدین معنا که منظور از توحید در این قسمت، حکومت و حاکمیت اهل حق بر جوامع بشری است. اگر جامعه‌ای قصد داشته باشد که به سمت هدایت و سعادت حرکت کند، اولین اصل اساسی که می‌بایست رعایت کند این است که توحید و خداپرستی را در جامعه حاکم کند. عدم سلطه شیطان نیز تعبیر دیگری از عدم سلطه استکبار و مستکبران عالم بر بندگان حقیقت جو و هدایت طلب است. لذا یک جامعه اسلامی نبایست بر اساس قاعده نفی سبیل به بیگانگان اجازه دهد که مستکبرین و بر قدرت‌ها بر آن جامعه استیلاء داشته و یا بر افکار و اذهان آن‌ها تأثیر بگذارند.

مواردی مانند عدالت، صداقت و تحصیل علم و آگاهی و بصیرت نیز هم در الزامات و هم در مقدمات فردی و اجتماعی هدایت ذکر شده‌اند که نشان می‌دهد این موارد می‌بایست هم در ابتدا و برای تعیین مسیر و هم در طول مسیر رعایت شده و لحظه‌ای از توجه بدان‌ها غافل نشد.

نتیجه‌گیری

بررسی اولیه گزاره‌های اخلاقی مستخرج از تعدادی از سوره قرآن کریم بیانگر این نکات است که:

۱) این گزاره‌ها و مفاهیم در دو حوزه فردی و جمعی همگام با هم پیش رفته و فراوانی نسبتاً یکسانی با یکدیگر دارند که نشان می‌دهد دستورات و برنامه‌های خداوند متعال به منظور تربیت و هدایت افراد و جوامع انسانی بطور یکسان و مساوی در این کتاب شریف بیان شده است.

۲) گزاره‌های اخلاقی آیات قرآن کریم تلاش دارند تا با کمک همدیگر یک نظام اخلاقی جامع و کامل را تبیین و نهادینه کنند، لذا هر کدام از گزاره‌های اخلاقی چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی، دارای جایگاه خاصی در چارچوب هدایتی افراد و جوامع بشری بوده و به صورت یک مدل لایه‌ای و حلقه‌ای همدیگر را تکمیل و تأیید می‌کنند.

۳) تجزیه و تحلیل گزاره‌های اخلاقی استخراج شده از آیات قرآن کریم به روش تحلیل محتوا، این مطلب را می‌رساند که این مفاهیم، انسجامی بسیار دقیق و عمیق با یکدیگر داشته و بر مبنای وحدت موضوعی، به دنبال بیان مدل جامع هدایتی برای افراد و جوامع بشری می‌باشند.

۴) این نظام متصور شده به گونه‌ای است که در چهار زمینه؛ اصول و مبانی، الزامات، مقدمات و موانع، مفاهیمی را بیان کرده و به خوبی یک مدل نظام‌مند را تبیین نموده است که جایگاه دقیق و هدفمند خود را در مجموعه معارف اسلامی تبیین می‌نماید.

این پژوهش سرآغاز مسیری جدید در نظام سازی از معارف قرآنی است و پیشنهاد می شود دیگر پژوهشگران نیز با استفاده از روش های میان رشته ای، به مطالعه مفاهیم متعالی مندرج در این کتاب آسمانی پرداخته و بیش از پیش کارآمدی و نقش دین در امور مختلف را تبیین نمایند.

منابع

- **قرآن کریم**، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷)، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- ابن فارس، احمد (۱۳۸۷)، **معجم مقاییس اللغة**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- ابن مسکویه، ابو علی احمد بن محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق)، **تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق**، قم: انتشارات بیدار.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت: انتشارات دار صادر.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵)، **تحلیل محتوا**، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، **مبایذ اخلاق در قرآن**، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۳۸۷)، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم: مؤسسه آل البیت.
- خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۶۴)، **تفسیر و تفاسیر جدید**، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
- دراز، عبدالله (۱۴۰۸ق)، **دستور الاخلاق فی القرآن الکریم**، ترجمه عبدالصبور شاهین، بیروت: دارالبحوث العلمیه
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت: دار العلم.

- شریفی، عنایت الله (۱۳۸۹)، «کارکردهای دین در اخلاق»، **فصلنامه قیسات**، تهران: انتشارات راه دین، شماره ۵۶
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۴)، **اخلاق ناصری**، تصحیح و تعلیق مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ سوم.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۷)، «تفسیر قرآن در دوره معاصر»، **فصلنامه قرآن و مستشرقان**، شماره ۲.
- غروی‌ان، محسن (۱۳۷۷)، **فلسفه اخلاق از دیدگاه اسلام**، تهران: مؤسسه فرهنگی یمین.
- غزالی، ابو حامد (۱۳۵۱)، **احیاء علوم الدین**، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- فتحعلی خانی، محمد (۱۳۷۴)، **آموزه‌های بنیادین علم اخلاق**، تهران: انتشارات کوثر.
- فلسفی، محمد (۱۳۸۲)، **شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق**، قم: انتشارات دارالتقلین.
- فیض کاشانی، ملا محسن (بی تا)، **محجة البیضا**، تهران: انتشارات اسلامی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱)، **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات توتیا، چاپ ششم.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)**، به کوشش محمد باقر بهبودی، قم: انتشارات حوزه علمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، قم: انتشارات دارالعلم.
- ندیم الجسر (۲۰۰۴م)، **القرآن فی تربیت الاسلامی**، قاهره: مجمع البحوث الاسلامیه.

- نراقی، محمد مهدی (۱۳۶۶)، **جامع السعادات**، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، تهران: انتشارات حکمت.
- همو (۱۳۸۲)، **معراج السعاده**، تهران: انتشارات دهقان.
- وارنوک، جفری جیمز (۱۳۶۸)، **فلسفه اخلاق در عصر حاضر**، ترجمه و تعلیق؛ صادق لاریجانی، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- هولمز، رابرت (۱۳۸۵)، **مبانی فلسفه اخلاق**، ترجمه مسعود علیا، تهران: انتشارات ققنوس.